



عکس: آرش لاجورد

تخلفات انتظامی قضات

■ تخلفات انتظامی اعلامی در رأی شماره ۱۰/۲۱/۸۱-۵۹۹ شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات تجدید جلسات بی مورد... اخذ تأمین از نوع وجه الضمان نقدی یا تضمین بانکی بیش از مبلغ چکها در ارتباط با اتهام خیانت در امانت....

جریان امر از این قرار است که آقای (خ. ا.) مدیر عامل شرکت تعاونی چند منظوره جانبازان استان... علیه رئیس شعبه... دادگاه عمومی تهران شکایت انتظامی مطرح و توضیح داده است که شرکت مزبور جهت طراحی و اجرا و راه اندازی تصفیه خانه چرم سازی جانبازان، در تاریخ ۷۸/۱۲/۷ قرارداد کتبی با شرکت پالاب سازگان منعقد نموده و نصف کل مبلغ قرارداد پرداخت شده است. بقیه مقرر گردید در دو مرحله اقدام. که پرداخت شده است. ولی شرکت پالاب سازگان به تعهدات خود عمل ننموده و از ادامه کار خودداری کرده است. تصویر قرارداد و نیز تأمین دلیل پیوست، مؤید مراتب است. ضمناً شرکت یاد شده، از جهت تضمین انجام تعهدات، یک فقره چک تحویل داده تا در صورت عدم انجام کار، مطابق قرارداد چک مذکور وصول گردد.

حالا آنکه شرکت یاد شده، علیه اینجانب به اتهام خیانت در امانت در دو فقره چک تحت شماره های ۹۴۴۵۸۸ و ۶۲۶۶۴۵ جمعاً به مبلغ چهل و یک میلیون تومان شکایت کرده است. قاضی رسیدگی کننده پرونده، طی نیابتی به دادگاه عمومی سنندج تقاضای صدور تأمین از نوع وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه بانکی معادل وجه چک نموده است که عمل قاضی به علل زیر خلاف است: چک شماره ۱۲۶۶۴۵ بابت بدهی شرکت پالاب سازگان بوده و متن چک نیز دلالتی بر امانتی بودن ندارد و رسید ارائه شده برگ داخلی توسط مسؤولین شرکت شاکي تکمیل شده است، چک شماره ۹۴۴۵۸۸ به مبلغ دو بیست میلیون ریال بابت تضمین انجام پروژه تا تاریخ ۷۹/۵/۱۴ بوده است که چون پروژه انجام نشده است، چک قابل وصول بوده است. با توجه به فرار تأمین دلیل، قانوناً این چک قابلیت وصول داشته، با این وصف تاکنون وصول نشده است. صدور قرار مزبور در خصوص خیانت در امانت

پرونده رئیس دادگاه در همان روز به موجب فرم چاپی به دادگاه عمومی سنندج، نیابت می دهد تا آقای (خ. ا.) را بدو به عنوان متهم احضار و در صورت عدم حضور جلب و پس از تفهیم اتهام دایر بر خیانت در امانت دو فقره چک به شماره های ۶۲۶۶۴۵ و ۹۴۴۵۸۸ کلاً به مبلغ ۴۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و اخذ آخرین دفاع قرار وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه بانکی معادل مبلغ چک صادر و اوراق محصله را اعاده نمایند. این نیابت بدون قید مشخصات و تاریخ امضا شده است، ولی شماره ۹۶۹۷۵-۷۹/۵/۱۸ در بالای آن قید شده است. نیابت مفوضه جهت اجرا به شعبه... دادگاه عمومی سنندج ارائه و ارجاع می گردد. آقای (ح. م.) به وکالت از آقای (خ. ا.) وارد دعوی شده و طی لایحه ای با ارائه تصاویر قرار داد و تأمین دلیل از موکل خود دفاع و اعلام داشته است ادعای شاکي، بی اساس بوده، تقاضای اعاده پرونده نیابت به مرجع معطی نیابت را دارم. به علت عدم حضور متهم آقای (خ. ا.) در شعبه... دادگاه عمومی سنندج به درخواست وکیل شاکي، آقای دادرس شعبه، جلب سیار نامبرده را صادر و در اختیار مأمورین انتظامی سنندج قرار می گیرد. در ادامه وکیل اخیر الذکر به دادگاه اعلام می دارد، چون

بر خلاف قانون است. پس از ارجاع شکوائیه انتظامی فوق به آقای (...) دادیار دادرسی انتظامی قضات مشارالیه پرونده امر را مطالبه و مورد بررسی قرار داده و جریان آن را چنین گزارش داده است: «آقای م. م. در تاریخ ۷۹/۵/۱۸ به وکالت از شرکت پالاب سازگان به مجتمع قضائی... شکایت کرده که به موجب قرارداد مورخ ۷۸/۱۲/۷ و متمم های پیوست آن، دو فقره چک به شماره های ۶۲۶۶۴۵ بدون تاریخ و ۹۴۴۵۸۸ به ترتیب ۲۱۰ میلیون ریال و ۲۰۰ میلیون ریال عهده بانک صادرات شعبه صادقیه، از سوی شرکت موکل به صورت امانی به آقای (خ. ا.) تسلیم شده تا در خاتمه اجرای قرارداد به موکل مسترد نمایند. لیکن برغم حسن اجرای قرارداد، نامبرده اقدام به وصول چکهای موصوف نموده و تقاضای تعقیب کیفری وی را به جرم خیانت در امانت دارم.

این شکوائیه جهت رسیدگی به شعبه... دادگاه عمومی ارجاع می گردد (۷۹/۵/۱۸). ناگفته نماند تصاویر رسید چکهای موصوف، صادره از شرکت پالاب سازگان که یک فقره به امضای آقای (خ. ا.) رسیده و متمم قرارداد (نه قرارداد اصلی) به عنوان دلیل اقامه شکایت کیفری ارائه شده است، طبق برگ یک

برغم تلاش مأمورین انتظامی متهم به علت متواری بودن تا کنون جلب و دستگیر نشده است، استدعای ارسال پرونده نیابتی جهت اتخاذ تصمیم شایسته به شعبه... دادگاه عمومی تهران را دارم. دادرسی شعبه نیز در تاریخ ۷۹/۸/۱۲ مقرر می‌دارد، چون متهم متواری شده و دسترسی به وی غیر ممکن است، در نتیجه انجام نیابت امکان ندارد. پرونده از آمار موجودی کسر و به مرجع معطی نیابت ارسال گردد. آقای (ح. م) وکیل متهم پرونده به عنوان رئیس شعبه... دادگاه عمومی سنندج لایحه‌ای در دفاع از موکلش تقدیم می‌دارد، که ابتدا مدیر دفتر شعبه می‌نویسد تا این تاریخ، سابقه ثبت شعبه ندارد، ولی در تاریخ ۸۰/۸/۱۳ دادرسی دادگاه دستور می‌دهد، دفتر، وقت رسیدگی دعوت شوند. در ظهر، تعیین و طرفین جهت رسیدگی دعوت شوند. در ظهر، همین لایحه، رئیس شعبه به تاریخ ۷۹/۹/۹ دستور می‌دهد، دفتر، خواهان جهت اخذ توضیح دعوت و وقت نظارت تعیین شود. حسب دستور آقای دادرسی وقت رسیدگی برای ۸۰/۱۰/۲۳ تعیین می‌شود. رئیس شعبه در ظهر، نامه مربوط به اعاده بلا اقدام پرونده نیابتی، می‌نویسد، دفتر، سریعاً طی شرحی به مرجع انجام نیابت اعلام گردد از انجام نیابت خودداری و پرونده را اعاده نمایند. (در صورتی که حسب مفاد همین نامه ارسالی از سنندج، شعبه مرجوع الیه ارجاعی، انجام نیابت را غیرممکن دانسته و پرونده نیابتی را اعاده داشته است) ظاهراً پرونده حاضر پس از وصول پرونده نیابتی به کلاس ۷۹/۷۹/۴۷۱ کیفری شعبه به ثبت می‌رسد و قبل از آن شکوائیه و سابقه امر، فاقد ثبت شعبه بوده است که مراتب مذکور و نیز اعلام شعبه... به این دادسرا مبنی بر فقدان سابقه در این خصوص، موید آن است. آقای (م-م) وکیل شرکت پالاب سازگان (شاکلی) یک هفته پس از ابلاغ جهت اخذ توضیح احضار می‌شود. برابر گواهی دایره ابلاغ اختطاریه در ۷۹/۹/۲۴ به علت عدم حضور در محل، طبق ماده ۷ قانون آئین دادرسی مدنی عمل و ابلاغ شده است. رئیس شعبه پس از اعاده نسخه ثانی وره اختطاریه مزبور دستور می‌دهد طبق دستور مورخ ۷۹/۸/۲۸ اقدام شود (دستور مورخه ۷۹/۸/۲۸ در پرونده مشاهده نمی‌شود) پرونده مقید به وقت احتیاطی می‌گردد. حسب نسخه ثانی، اوراق احضاریه اعاده شده از دایره ابلاغ احضاریه آقای (م-م) وکیل شاکلی و نیز احضاریه آقای (ح-م) وکیل مشتکی عنه، برای شرکت در جلسه دادرسی مورخ ۸۰/۱۰/۲۳ به تاریخهای ۸۰/۸/۲۶ و ۸۰/۹/۲۲ به آقایان ابلاغ واقعی شده است.

به حکایت برگ ۴۶ پرونده رئیس شعبه در وقت مقرر ۸۰/۱۰/۲۳ چنین اتخاذ تصمیم می‌نماید: پرونده کلاس ۴۷۱/۷۹ در وقت مقرر به تصدی امضاکننده ذیل صورت جلسه تحت نظر قرار گرفت. ملاحظه می‌شود اوراق اختطاریه طرفین واصل نشده و با انتظار کافی، حضور ندارند، فلذا اقدامی متصور نبوده است، دفتر، شاکلی جهت اخذ توضیح پیرامون ادعایش به همراه اصول و مستندات دعوت و پرونده

پس از برگ شماری و منگنه و با حفظ بدل به دادرسی انتظامی قضات ارسال و تا حصول نتیجه، وقت نظارت تعیین گردد.

در پایان گزارش فوق آقای دادیار دادرسی انتظامی قضات چنین اظهار نظر نموده است: «دادگاه نسبت به تشریفات قانونی راجع به ثبت پرونده در شعبه و تعیین جلسه رسیدگی و احضار متهم و مشتکی عنه بی توجه بوده است و دستور ریاست شعبه در این پرونده بیشتر به دعاوی مدنی مربوط است و همین امر سبب تضییع حقوق طرفین شکایت شده است بدین صورت که:

۱- قبل از ثبت کیفری پرونده در شعبه و استماع توضیحات شاکلی در همان روز ارجاع، مبادرت به صدور نیابت نموده که مسامحه در انجام وظیفه به نظر می‌رسد.

۲- وکیل شاکلی پرونده در دو مرحله احضار شده و برغم اطلاع، در تاریخهای ۷۹/۹/۲۴ و ۸۰/۸/۲۶ و از وقت رسیدگی و نیز علت احضار، از حضور در دادگاه امتناع ورزیده است، ولی دادگاه به جای اتخاذ تصمیم شایسته (به جهت عدم حضور شاکلی و اقامه دلیل راجع به شکایت اعلامی) برای بار سوم در ۸۰/۱۰/۲۳ دستور دعوت برای اخذ توضیح را صادر می‌کند، که تخطی از مقررات بوده است.

۳- به فرض اینکه پرونده معد صدور رأی نباشد و با توجه به نوع اتهام انتسابی به متهم (خیانت در امانت) انجام تحقیقات لازم باشد، دادگاه مکلف به صدور دستور جلب مشتکی عنه به علت عدم حضور در وقت دادرسی مورخ ۸۰/۱۰/۲۳ بوده است، که برخلاف قانون رفتار نموده است.

۴- دادگاه کمترین توجهی به وجود یا عدم وجود دلیل شکوائیه نموده است. و در روز ارجاع طبق فرم چاپی مربوط به چک بلا محل، طی نیابتی به دادگستری سنندج، اخذ تأمین از نوع وجه الضمان نقدی معادل ۳۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بیشتر از وجه چکها) که صرفاً تأمین مزبور ناظر به صدور چک بلا محل می‌باشد، دستور می‌دهد که تخلف بارز انتظامی و بی اعتنائی به حقوق مردم و مشمول قسمت اخیر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به انواع نقضیهات انتظامی قضات می‌باشد، چه اینکه از یک طرف صدور قرار تأمین وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه در ارتباط با جرم خیانت در امانت (بیشتر از وجه چکها) برخلاف قانون موضوعه است و از طرفی اصولاً شاکلی یا وکیل ایشان هیچگونه مدرک یا دلیلی بر وصول چکهای مورد ادعا یا تصاحب و استعمال آنها توسط متهم پرونده اقامه نموده اند که با توجه به تصاویر قرارداد و تأمین دلیل مآخوذه از ناحیه آقای (خ-ا)، عدم استرداد چک مزبور (یک فقره در قرارداد آمده) به نظر بیشتر از ایجاد اختلاف در اجرای پروژه مورد بحث، ناشی می‌شود. در نتیجه اقدام قضائی خارج از رویه و قانون له شاکلی (شرکت پالاب سازگان) پرونده به نظر می‌رسد؛ بنابراین، وقوع تخلفات مذکور (سه مورد عدم رعایت قانون موضوعه و یک مورد تسامح و سهل انگاری در انجام وظیفه) از ناحیه آقای... رئیس شعبه... دادگاه عمومی تهران به نظر مشهود است و

بر همین اساس به تعقیب انتظامی مشارالیه مورد پیشنهاد است و...

با موافقت معاون اول دادرسی انتظامی قضات با نظریه بالا، نهایتاً کیفرخواست انتظامی شماره ۱۰۶۸ - ۸۱/۱۱/۲۰ در باره قاضی مشتکی عنه موصوف صادر و پرونده به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال و جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده است. کیفرخواست صادره به قاضی مشتکی عنه انتظامی ابلاغ، ولیکن به گواهی دفتر دادگاه لایحه‌ای از سوی نامبرده واصل نشده است.

اینک شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است. پس از قرائت گزارش پرونده و کسب عقیده، نماینده دادرسی انتظامی قضات دایر بر (صدور حکم دایر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه مورد تقاضاست) مشاوره نموده و به شرح آتی رأی می‌دهد:

رأی: اقدامات قاضی مشتکی عنه انتظامی از نظر نیابت قضائی به دادگستری سنندج، جهت تحقیق از متهم پرونده امر، (شاکلی انتظامی) در ارتباط با بزه خیانت در امانت اعلامی، نسبت به دو فقره چک و صدور قرار تأمین وجه الضمان نقدی یا تضمین بانکی معادل بیش از مبلغ چکها در باره او به محض دریافت پرونده، موضوع شکایت شاکلی خصوصی و قبل از ثبت پرونده و قبل از اخذ توضیح و استماع دلایل شاکلی و نیز عملکرد غیرمتعارف قاضی نامبرده مبنی بر تجدید جلسات بی مورد رسیدگی، علیرغم ابلاغ قانونی اختطاریه‌ها به طرفین دعوی و عدم صدور رأی مقتضی پیرامون شکایت اعلامی به ترتیبی که در گزارش مستند کیفرخواست انتظامی مطرح و مصون از دفاع باقیمانده، تخلف است و لذا با انطباق عمل آقای... رئیس شعبه... دادگاه عمومی تهران در این خصوص بر صدور ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع نقضیهات قضات مشارالیه را به کسر ثلث حقوق ماهیانه به مدت شش ماه محکوم می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

■ تخلفات انتظامی اعلامی در رأی شماره ۱۳ / ۸۱/۱۱/۶۴۳۸۱-۶۴۳۸۱-۶۴۰ شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات:

الف - صدور حکم بر محکومیت متهم به حبس و جزای نقدی در مورد چکهای بی محلی که مشمول مواد ۱۱ و ۱۳ قانون صدور چک بوده اند...
 ب - رسیدگی به دعوی تجدیدنظر خواهی توسط قضات دادگاه تجدیدنظر با خواسته بیش از مبلغ بیست میلیون ریال...
 جریان امر: آقای... دادیار دادرسی انتظامی قضات در خصوص شکوائیه انتظامی آقای (س-م-م) از نحوه رسیدگی به پرونده کلاس ۶۶۹/۷۷ شعبه... دادگاه عمومی تهران (پرونده‌های کلاس ۶۸۴/۷۹-۶۸۵ و ۸۰/۱۳۱۰ شعب... و... دادگاه تجدیدنظر استان تهران) پس از مطالبه و ملاحظه پرونده‌های امر، ما حصل آن را چنین گزارش نموده است: ... آقای (غ-ن) شکایتی علیه آقای (س-م-م)

نتیجه کیفرخواستهای شمار ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۴۸ از دادسرای انتظامی قضات صادر گردیده . باستناد ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات تقاضای مجازات انتظامی قاضیان نامبرده، گردیده است . کیفرخواستهای صادره به قضات مذکور ابلاغ شده به غیر از آقای . . . و . . . از مابقی لایحه دفاعیه ای واصل نگردیده است . اینک شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است . پس از مطالعه گزارش امر و لویح واصله ، با کسب نظر آقای معاون دادسرای انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دادر بر تعیین مجازات انتظامی آقایان قضات مشتکی عنه ، مورد تقاضاست) مشاوره نموده ، به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید :

۱- صدور حکم بر محکومیت متهم به صدور چکهای بی محل به حبس و جزای نقدی توسط رئیس دادگاه بدوی ، با توجه به اینکه طبق گزارش مبنای کیفرخواست ، یکی از چکها به علت عدم طرح شکایت در مهلت قانونی مقرر در ماده ۱۱ ، قانون صدور چک فاقد وصف جزائی بوده و دو فقره دیگر نیز مشمول ماده ۱۳ قانون مزبور بوده ، تخلف است .

بنا به مراتب ، آقای . . . رئیس سابق شعبه . . . دادگاه عمومی تهران (دادرس دادگستری استان بوشهر) را بابت تخلف انتظامی اعلامی ، باستناد قسمت اول ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص تقصیرات انتظامی قضات به کسر ربع حقوق ماهانه به مدت سه ماه محکوم می نماید .

۲- با توجه به بند ب ماده الحاقی به قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۴۹/۹/۹ (قانون حاکم در تاریخ صدور رأی بدوی) و ماده ۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و بند ۵ ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ، اقدام قضات دادگاه تجدیدنظر در رسیدگی به دعوی تجدیدنظر خواهی از رأی بدوی که خواسته بیش از مبلغ بیست میلیون ریال بود ، تخلف از مقررات مذکور است ، فلذا آقای . . . و . . . به ترتیب رئیس و مستشار شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر استان تهران ، هر یک را باستناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات ، به کسر ربع حقوق ماهانه ، به مدت دو ماه محکوم می نمایند . این رأی قطعی است .

۳- ایراد به عملکرد مستشار دادگاه تجدیدنظر (شعبه هم عرض) در زمینه فقدان صلاحیت نسبی در رسیدگی به تجدیدنظر خواهی ، چون دیوانعالی کشور پس از نقض رأی اولیه ، ادامه رسیدگی را به شعبه هم عرض محول داشته ، به کیفیت مطروحه وارد نیست . بنا به مراتب ، ضمن رد کیفرخواست شماره ۱۲۰-۲۸ / ۸۱ / ۲ دادسرای انتظامی قضات رأی بر پراشت آقای . . . مستشار شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر استان تهران را از تخلف انتظامی اعلامی ، صادر و اعلام می نماید .

احاله ، که به شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر ارجاع و مرجع مذکور چکهای مورد تنازع را مشمول مقررات ماده ۱۱ قانون چک ، تشخیص داده و قرار موقوفی تعقیب صادر نماید ، لیکن محکومیت صادر کننده را از بابت ضرروزیان تایید می نماید .

آقای دادیار در پایان نظریه خود چنین اظهار عقیده می نماید : اولاً : آنچه از متن و مندرجات قرار داد مورخ ۱۹ / ۱۰ / ۷۴ مضبوط در پرونده احرارز می شود ، فقط یکی از چکها در زمان تنظیم قرار داد صادر گردید و . . . در نتیجه چک مزبور مشمول مقررات ماده ۱۱ می شود و امانی بوده ، از طرفی هم به لحاظ انقضاً مهلت ، طرح شکایت کیفری فاقد وصف جزایی می باشد و در خصوص دو فقره چک دیگر هیچگونه دلیل و قرینه ای مشعر بر صدور این چکها در زمان تنظیم قرارداد وجود ندارد . کما اینکه آقای دادیار دادسرای دیوانعالی ، در نظریه ابرازی اعلام داشته ، چنانچه قائل به تاریخ صدور چکها هم زمانی با تاریخ عقد قرارداد باشیم ، جنبه جزائی چکها منتفی گردیده و . . . نهایتاً از آنجا که صادر کننده بانصراحه اقرار کرده که خودش تاریخ چکها را گذاشته ، دو فقره چک مزبور قابل رسیدگی و مشمول ماده ۱۳ قانون چک بوده . بنابراین ، آقای . . . رئیس شعبه . . . دادگاه عمومی تهران (قائم مقام شعبه . . . سابق) مستوجب تعقیب انتظامی می باشد . ثانیاً : هیات قضات شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر آقایان . . . و . . . نیز در صدور دادنامه شماره ۹۶۹ -

۱۲۱۲-۱۲۱۳ از موازین قانونی ، تخلف نموده اند . زیرا در دادنامه ۲۳۸-۲۳۹ بالصراحه مرجع تجدیدنظر دیوانعالی کشور اعلام شده ، لیکن قضات مذکور بدون توجه به این امر وارد رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می گردند . که این عملکرد قضات مذکور برخلاف ماده ۲۳۴ قانون آئین دادرسی کیفری است ثالثاً : عملکرد قضات شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر ، نیز به همان سبب برخلاف موازین قانونی است ، به ویژه که یکی از دادیاران دیوانعالی کشور مستمسک پیشنهاد نقض دادنامه شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر عدم صلاحیت این شعبه را در رسیدگی تجدیدنظری قرار داده ، بنابراین ، شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر می بایست به صلاحیت دیوانعالی کشور قرار عدم صلاحیت صادر می نمود ، مع الوصف ، وارد رسیدگی ماهوی گردیده ، به همین لحاظ به تعقیب آقای . . . مستشار شعبه مزبور اظهار نظر می گردد و . . . سرانجام با نظریه های فوق موافقت شده ، در

دایر به صدور سه فقره چک بلامحل در مجتمع قضائی . . . اقامه نموده که به شعبه . . . دادگاه عمومی سابق ارجاع می گردد ، پس از احضار مشتکی عنه ، دادگاه به عنوان متهم از مشارالیه تحقیق و قراری از نوع وجه الضمان نقدی صادر می شود که نامبرده با سپردن ضمانت نامه بانکی آزاد می گردد و . . . سرانجام دادگاه در تاریخ ۲۵ / ۲ / ۷۹ با حضور طرفین و وکلای آنها ، مبادرت به انشأ رأی دایر بر محکومیت آقای (س-م) به لحاظ صدور سه فقره چکهای بلامحل به تحمل حبس و جزای نقدی می نماید و . . . در خصوص عرضحال ضرروزیان ، محکوم علیه را به پرداخت وجه چکها بابت اصل خواسته و مبالغی هزینه دادرسی در حق محکوم له محکوم کرده ، مرجع تجدیدنظر را با توجه به مبلغ ضرر و زیان دیوانعالی کشور تعیین نموده ، لیکن با ارجاع پرونده به شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر استان تهران این شعبه دادنامه تجدیدنظر خواسته را تایید کرده . محکوم علیه درخواست اعمال ماده ۲۶۸ قانون آئین دادرسی کیفری را از دادسرای دیوانعالی کشور می نماید ، یکی از دادیاران دیوانعالی کشور موجبی برای اعمال ماده مذکور ندانسته ، لیکن دادیار دیگر با اجابت درخواست محکوم علیه پرونده را به دیوانعالی ارسال ، که به شعبه . . . ارجاع می گردد . شعبه مرجوع الیه رأی شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر را نقض و رسیدگی را به شعبه هم عرض

